



سانسور در رسانه‌های گروهی استرالیا

مقدمه

باب هاوک نخست وزیر استرالیا، اعلام کرده است که مطبوعات و رسانه‌های گروهی استرالیا باید از نفوذ صاحبانشان برکنار باشند و در حقیقت، پول و سرمایه صاحبان این دستگاه‌های تبلیغاتی نباید در جهت تحمیل خواسته‌هایشان در رسانه‌های گروهی به کار رود. نکته پیداست که چنین خراستی- به ویژه در جوامعی که مطبوعات در مالکیت بخش خصوصی هستند- نابجا و ساده لوحانه است. اصولاً صاحبان صنایع پیام سازی^۱ بدین قصد این صنایع را به پا می‌کنند که بتوانند با دخالت در آن، منافع خود را جامه عمل بپوشانند. در غیر این صورت، سرمایه‌گذاری در رسانه‌های گروهی از دیدگاه اقتصادی، عاقلانه نیست. حتی خود هاوک نیز بخشی از موقعیت خود را در چهار دوره ریاست بر دولت استرالیا، مدیون صاحبان این صنایع است.

به هر حال، اظهارات او که شأن نزول آن، ورشکستگی یکی از بزرگترین گروه‌های خبری در استرالیا به نام فایر فاکس^۲ است، یک بررسی اجمالی رسانه‌های استرالیا را از جنبه‌های مختلف می‌طلبد که در این گزارش بدان اقدام شده است.

سانسور

آنچه سانسور در رسانه‌های گروهی نامیده می‌شود، مسبوق به دو پیش فرض است. اول آنکه، سانسور به معنای عام کلمه بدون تردید در همه مطبوعات جهان و در همه کشورها- صرف نظر از سیستم سیاسی آنها- وجود دارد و دوم آنکه، گاه سانسور به خودی خود امر ناگزیری است و به دلایلی و در شرایط ویژه‌ای، کاربرد آن اجتناب ناپذیر می‌نماید. حتی در پیمانها و مقررات بین‌المللی حقوق بشر که از هر جهت خواهان آزادی اشخاص است، در مواردی سانسور مجاز شمرده شده است.

1. Message Manufacturing

2. Fair Fax



بنابراین، به نظر می‌رسد که برای بررسی سانسور در رسانه‌های گروهی، بهتر است آن را به سانسور قانونی و سانسور غیرقانونی تقسیم کنیم تا بتوان روشنتر در این باره بحث کرد. ناگفته پیداست که معمولاً سانسور قانونی شامل آن دسته از مواد سمعی و بصری می‌شود که یا خالی از هر گونه پایه و اساس واقعی و حقیقی هستند (مثل ۹۹ درصد از فیلمهای سینمایی، رمانها، مقالات هنری و...)، یا به مسایلی همچون امنیت ملی و امثال آن مربوط می‌شود.

۱. سانسور قانونی

در استرالیا قوانینی وجود داشته که به قوانین مربوط به منع صور و متون قبیحه^۳ معروف بوده‌اند. اگرچه این قوانین رسماً لغو نشده‌اند، ولی بنابر عرف جوامع غربی و با توجه به نوع فرهنگ و آزادیهای موجود، دیگر رعایت نمی‌شوند.

همچنین سیستمی به نام اختطاری^۴ وجود داشته که بر مبنای آن، از چاپ مسایلی که مخل امنیت ملی است، جلوگیری می‌شده است. بر مبنای این سیستم، کمیته‌ای متشکل از ۹ نفر اعضای رسانه‌های گروهی و ۵ نماینده از سازمانهای دفاعی و امنیتی، در مورد مسایل مختلف تصمیم‌گیری و به سر دبیران روزنامه‌ها و مدیران شبکه‌ها اعلام می‌کرده‌اند که فلان موضوع به لحاظ امنیت ملی قابل پخش هست یا خیر. مهمترین اجزای سیستم اختطاری عبارت بوده است از: ممنوعیت چاپ عکس هوایی از تأسیسات نظامی، ممنوعیت انتشار امور مربوط به عوامل مخفی و جاسوسها، ممنوعیت افشای محل رادارهای نظامی، ممنوعیت رهگیری و استراق مکالمات سفارتخانه‌ها.

آنچه مشخصاً به عنوان کنترل رسانه‌های گروهی به کار می‌رود، قانونی برای سانسور اخلاقی است و در مورد سانسور امنیتی، به

3. Abscency Law

4. D. Notice

نظر می‌رسد قانون مشخصی وجود ندارد و دست مقامات استرالیایی از این جنبه باز گذاشته شده است. در حال حاضر، در خصوص آنچه که می‌توان نام آن را سانسور نامید (استرالیاییان سخت معتقدند که در کشورشان سانسور نیست) قانونی وجود دارد که طبق آن کلیه مواد انتشاراتی و سمعی و بصری به گروههایی تقسیم می‌شوند و بر هر گروه، نوع خاصی از کنترل اعمال می‌شود که به طور خلاصه، به شرح زیر است:

الف. مواد نمایشی: به طور کلی، فیلمها در استرالیا به ۷ دسته تقسیم می‌شوند. سه دسته مربوط به فیلمهایی است که در تلویزیون به نمایش درمی‌آیند، سه دسته مربوط به فیلمهایی که در سینما نمایش داده می‌شوند و یک دسته نیز که اصولاً نمایش آن در استرالیا ممنوع است.

سه گروه فیلمهای تلویزیونی، عبارتند از: ۱) فیلمهایی که برای تمام سنین قابل تماشا هستند که با نشانه^۵ G طبقه بندی می‌شوند. ۲) فیلمهایی برای افراد زیر ۱۵ سال، که به توضیح والدین یا اطرافیان نیاز

5. General

دارد و عنوان^۶ PGR طبقه بندی می‌شوند. ۳) نوع سوم فیلمها، تنها برای افراد بالای ۱۸ سال نمایش داده شده و زیر عنوان^۷ AO طبقه بندی می‌شوند.

سه گروه از فیلمهایی که در سینما نمایش داده می‌شوند، عبارتند از: فیلمهای طبقه بندی شده زیر عنوان M15+ که برای افراد بالای ۱۵ سال توصیه می‌شود (فقط در سینما)، R18+ و X18+ که برای افرادی بالای ۱۸ سال توصیه می‌شود.

دسته هفتم، فیلمهایی هستند که نمایش آنها در استرالیا ممنوع است و حاوی صحنه‌های سوء استفاده جنسی، صحنه‌های سادیستی و مازوخیستی و امثال آن است.

نکته دیگر اینکه، گاهی فیلمهایی از سه گروه مربوط به سینما با حذف صحنه‌هایی از آنها در تلویزیون به نمایش در می‌آیند، با عنوان «تغییر شکل داده شده برای تلویزیون»^۸.

ب. مواد چاپی: مواد چاپی نیز به طور کلی دو دسته‌اند: یک دسته که محتوای آن آزاد است و محدودیتی در فروش آن وجود

6. Parental Guidance Recommended

7. Adults Only

8. Modified For TV. Version



ندارد. کلیه روزنامه‌ها و مجلات یومیه و هفتگی استرالیا در این گروه قرار دارند. دسته دوم، نشریات ممنوعه برای عرضه عمومی هستند. این قبیل نشریات، تنها به افراد بالای ۱۸ سال فروخته می‌شوند و باید در قفسه‌های فروش نیز در لفافه‌ای پیچیده شده باشند. و یا بعضی از آنها لزوماً باید در فروشگاههای ویژه و فقط به افراد بالای ۱۸ سال عرضه شوند.

در مورد مواد چاپی نیز کلیه نشریاتی که حاوی مطالب یا تصاویری در مورد اعمال جنسی زن با زن و کودکان، اعمال خطرناک، تشویق جنایت و امثال آن هستند، ممنوع است.

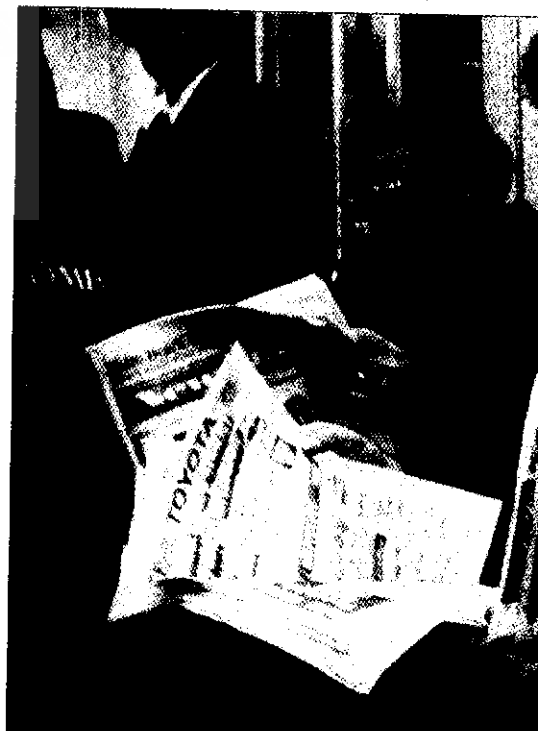
۲. سانسور غیرقانونی

بدیهی است به دلیل ماهیت این نوع سانسور، یافتن نمونه‌ها و استناد به آن مشکلتر از کنترل قانونی بر رسانه‌های گروهی است. شاید تنها کسانی بتوانند در این زمینه قضاوت کنند که خود با این مسئله برخوردی داشته‌اند. با وجود این، مثالهایی را از سانسور در رسانه‌های استرالیایی می‌توان برشمرد. از جمله این

داستان در میان روزنامه‌نگاران استرالیایی شهرت دارد که در سال ۱۹۷۰ هنگامی که بحران میان اعراب و اسرائیل در اوج خود بود، یک کاریکاتوریست روزنامه استرالین، کاریکاتورهایی با هدف انتقاد از سیاست خارجی اسرائیل کشید. سردبیر روزنامه به بهانه از دست دادن خوانندگان و آگهیهای یهودیان، مانع چاپ کاریکاتورها در روزنامه شد. موضوع به مدیر روزنامه کشیده شد و او دستور داد که هیچ گونه کاریکاتوری در مورد خاورمیانه کشیده نشود.

در مورد پوشش خبری انقلاب اسلامی در ایران در اواخر ۱۹۷۸ تا فوریه ۱۹۷۹، برخوردار مبتنی بر سانسور رسانه‌های گروهی - به ویژه مطبوعات استرالیایی - روشنتر دیده می‌شود. روزنامه سیدنی مورنینگ هرالد که به گفته جامعه خبری استرالیا در میان رسانه‌های گروهی غربی بسیار معتبر و مشهور است، در کلیه گزارشهای خبری و تحلیلهای خود، کلمه «شورش»^۹ را در مورد انقلاب اسلامی به کار می‌برده است. همچنین تیتراهای خبری که در این روزنامه به چاپ می‌رسیده، حاکی از «مردن» تظاهر کنندگان بوده است، یا اینکه در یک تظاهرات عده‌ای «کشته شده‌اند». در همان زمان، یک منتقد خبری در استرالیا به این روزنامه خرده گرفته و به شکل طنزآمیزی خاطر نشان کرده است که در صورتی که روزنامه توضیح ندهد که سربازان شاه تظاهر کنندگان را کشته‌اند، ممکن است خوانندگان تصور کنند که تظاهر کنندگان، سربازان را کشته‌اند و بنا اصولاً عده‌ای از تظاهر کنندگان دچار آفتاب زدگی شده و در گذشته‌اند.

همچنین در ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۸، سیدنی مورنینگ هرالد در تیترا خود می‌نویسد: «... این تظاهرات باعث کشته شدن تقریباً هزار نفر شد»، که به نظر می‌رسد که این سربازان شاه نبوده‌اند که تظاهر کنندگان را کشته‌اند، بلکه تظاهر کنندگان، این تعداد را کشته‌اند. در



همین شماره، در مقاله‌ای آمده است که «شورش» همچنان ادامه دارد. همین روزنامه در روز بعد (۱۳ سپتامبر) در تیترا می‌نویسد: «خشونت در ایران پایان یافت». در نظر اول چنین می‌نماید که منظور، خشونت رژیم و پلیس شاه است، در حالی که از متن مقاله بر می‌آید که حکومت نظامی برقرار شده است و از این پس، هرگونه خشونت خیابانی (شورش) پایان خواهد یافت. حتی در ماههای بعد که ماهیت حکومت نظامی روشن شده بوده است، این روزنامه مقاله‌ای در ۹ ژانویه ۷۹ به چاپ می‌رساند که با این جمله آغاز می‌شود: «شورش در تهران هنوز ادامه دارد»، در حالی که در کل مقاله تنها یک جمله در مورد خشونت تظاهر کنندگان دیده می‌شود و بقیه مربوط به خشونت سربازان شاه با تظاهرات آرام مردم است. روزنامه نیوزورنالیست^{۱۱} در ماه می ۱۹۷۹، در مورد این رفتار روزنامه سیدنی مورنینگ هرالد با انقلاب ایران، نوشت: وقتی کل یک ملت بیش از یک سال در مقاومتی مسالمت آمیز در مقابل حاکم خشنی قرار می‌گیرند، به کلی غیر منصفانه و بی‌معناست که ادامه این مقاومت به عنوان «باز هم شورش» در تهران» (سیدنی مورنینگ هرالد - ۱۰ ژانویه ۷۹) تلقی شود.

یکی از آخرین نمونه‌های سانسور در رسانه‌های استرالیا، اخیراً در ارتباط با انتخابات ابورجینی‌ها صورت گرفت. در حالی که این اقلیت یک انتخابات سراسری در پیش داشتند، تنها یک باریک شبکه رادیویی اعلام کرد که انتخابات سراسری ابورجینی‌ها در تعطیلات آخر هفته (بدون مشخص کردن شنبه یا یکشنبه)، برگزار خواهد شد. در نتیجه، بسیاری از ابورجینی‌ها اصولاً نمی‌دانستند که چنین انتخاباتی وجود دارد و دیگران نیز که می‌دانستند، از نحوه و تاریخ آن اطلاع دقیقی نداشتند.